

## قلم سحرآمیز + دونا مه - صفحه ۷۵

## #تاریخ ادبیات:

شاه اسماعیل صفوی: صفحه‌ی ۱۳۷ / کمال الدین بهزاد: صفحه‌ی ۱۴۳ / حافظا: صفحه‌ی ۱۳۹ / جمال الدین اسدآبادی: صفحه‌ی ۱۳۷ / میرزای شیرازی: صفحه‌ی ۱۴۱ کتاب درسی

## #معنای لغات:

**قلم سحرآمیز:** دلیرانه: شجاعانه / انجامید: ختم شد، پایان یافت / سردار: فرمانده / می‌لغزید: سُرمی خورد / توده: انبوه، انباشته / باریکه: پرتو، اشعه / اوج گرفته بود: به سمت بالا پرواز می‌کرد / هدهد: پرنده‌ای به نام شانه یه سر / صبا: باد خنک صبحگاهی که از سمت شمال شرق می‌وزد. / سبا: نام سرزمینی در عربستان قدیم که ملکه‌ی آن به نام بلقیس، مشهور بود. / بنگر: نگاه کن / حیف: افسوس، مایه‌ی پشیمانی و افسوس / طایر: پرنده، پرواز کننده / خاکدان: محل ریختن خاک، گلدان / زین‌جا: از این جا / آشیان: خانه / زمزمه: نغمه، سرود خواندن زیر لب / زمزمه کرد: زیر لب خواند / گشود: باز کرد / سحرآمیز: جادویی، فریبنده / طیب: پزشک، درمان کننده

**دونا مه:** استعمار: دست‌درازی / بیدادگری: ظلم و ستم کردن / پرشور: بانشاط / آموخت: یاد گرفت / سخنرانی: برای عده‌ای صحبت کردن / اندیشمندان: متفکران / نیرنگ: مکر و حیله / دریافت: متوجه شد، فهمید / مرجع تقلید: مجتهدی که در احکام دین از او تقلید می‌کنند / تحریم: حرام اعلام کردن، منع کردن / فتوا: حکم شرعی عالم دین / ایوم: امروز / استعمال: به کار بردن، استفاده کردن / درحکم: همانند / محاربه: دشمنی، جنگ / صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ: صلوات خدا و سلامش بر او باد / تنگنا: سختی / توطئه: دسیسه، نقشه‌ی شوم

## #معنای شعر:

**معنی بیت اول:** ای نسیم صبحگاهی، تو را مانند هدهد به سرزمین سبا می‌فرستم. بین که تو را به چه راه دوری می‌فرستم.

**معنی بیت دوم:** جای افسوس است که پرنده‌ای مثل تو در این دنیای غم‌انگیز اسیر بماند. پس تو را از اینجا به منزل وفاداری می‌فرستم.

## #معنای عبارت:

**معنی فتوا:** به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (از) امروز، مصرف کردن توتون و تنباکو، همانند جنگیدن با امام زمان - که صلوات خدا و سلامش بر او باد - است.

## #آرایه‌ها:

سردار زخمی ← ایهام: مجروح، غمگین / صبا، سبا ← جناس ناقص اختلافی / هدهد صبا ← اضافه تشبیهی / بیت اول تلمیح دارد به داستان حضرت سلیمان و بلقیس ملکه‌ی سبا / بادصبا ← نماد پیام‌رسانی / بیت دوم: طایری چو تو در خاکدان ← تشبیه / خاکدان غم ← استعاره از دنیا / آشیان وفا ← اضافه‌ی تشبیهی / طایر، آشتیان ← مراعات نظیر (تناسب) / من درد را فراموش کردم ⇨ درد ← ایهام: اثر جراحت، اندوه شکست آرام و قرار نداشت ← کنایه از اینکه بیکار نمی‌نشست، دائم درحال فعالیت بود

## #نکات دستوری:

میفرستم ← تو را می‌فرستم ← تو: مفعول / حیف ← نقش مسند دارد.